

A Strategic Model for Police Interaction with Community: Authority with Compassion¹

Mohammad Rasool Imani Khoshkho²

Abstract

Background and Aim: Exercising authority along with compassion in interaction with society is an issue that has been constantly recommended to police activists by the Supreme Leader and religious authorities. However, due to the lack of clarity of the concept of compassion, there were no specific strategies to institutionalize it. The main purpose of this study is to explain the methods of exercising compassion in such a way that while maintaining the authority of the police, the fruits of this principle can be used to strengthen the relationship between the police and community.

Method: In the present qualitative research, data were collected using semi-structured interviews with 20 deputies and commanders of Qom police force and police chiefs and were coded and categorized through content analysis method. The final strategies were identified and presented through strategic analysis.

Findings: Based on the findings, compassion in interaction with different social groups requires different methods and, depending on the groups interacting with the police, can include issues such as avoiding of behavioral and verbal violence, smart discounts appropriate to the case, providing advice and the principle of non-discrimination.

Conclusion: Intelligence in choosing the appropriate method of police in interaction with different social groups can be effective in increasing the social capital of the police and public participation in crime prevention.

Keywords: authority, compassion, police ethics, police, community-oriented.

1. This research is taken from a research project entitled "Explaining the strategy of kind authority in the interaction between police and community" which was conducted in the NAJA Institute of Law Enforcement and Social Studies in 2020.

2. Assistant Professor, Department of Religions and Mysticism, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). Email: m_imanikhoshkhoo@sbu.ac.ir

الگوی راهبردی تعامل پلیس با جامعه: اقتدار همراه با مهرورزی^۱محمدرسول ایمانی خوشخو^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷

چکیده

زمینه و هدف: اعمال اقتدار همراه با مهرورزی در تعامل با جامعه موضوعی است که پیوسته توسط مقام معظم رهبری و مراجع دینی به فعالان حوزه انتظامی توصیه شده است. با این حال به دلیل عدم وضوح مفهوم مهرورزی راهبردهای مشخصی نیز برای نهادینه کردن آن وجود نداشته است. هدف اصلی این پژوهش تبیین شیوه های اعمال مهرورزی به گونه‌ای است که ضمن حفظ اقتدار پلیس بتوان از ثمرات این اصل در تقویت رابطه پلیس و جامعه نیز بهره برد.

روش: در پژوهش کیفی حاضر داده با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۲۰ نفر از معاونان و فرماندهان نیروی انتظامی استان قم و روسای کلانتری‌های شهرستان قم جمع آوری و از طریق روش تحلیل محتوا کدگذاری و دسته بندی شدند و در پایان نیز با استفاده از شیوه تحلیل راهبردی، راهبردهای نهایی شناسایی و ارائه شد.

یافته‌ها: بر اساس یافته های به دست آمده؛ مهرورزی در تعامل با گروه‌های مختلف اجتماعی شیوه‌های متفاوتی را می طلبد و متناسب با گروه های در تعامل با پلیس، می تواند مواردی همچون عدم استفاده از خشونت رفتاری و کلامی، تخفیف هوشمندانه متناسب با مورد، ارائه مشاوره ناصحانه و اصل عدم منفعت-محوری را شامل شود.

نتیجه گیری: هوشمندی در انتخاب شیوه مناسب اعمال قانون در تعامل با گروه های مختلف اجتماعی می تواند در بالابردن سرمایه اجتماعی پلیس و مشارکت عمومی در پیشگیری از وقوع جرم مؤثر باشد.

کلید واژه‌ها: اقتدار، مهرورزی، اخلاق انتظامی، پلیس، جامعه‌محور.

استناد: ایمانی خوشخو، محمدرسول؛ (۱۴۰۰). الگوی راهبردی تعامل پلیس با جامعه: اقتدار همراه با مهرورزی،

۱۶ (۴)، صص ۱۵۴-۱۲۹

DOI: <https://dx.doi.org/10.22034/pmsq.2022.210308.1457>

۱. این پژوهش برگرفته از طرحی پژوهشی با عنوان «تبیین راهبرد اقتدار مهربانانه در تعامل ارتباطی پلیس و جامعه» است که در پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا در سال ۱۳۹۸ به انجام رسیده است.

۲. استادیار گروه ادیان و عرفان، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

مقدمه

مقام معظم رهبری در دیدارهای متعددی نیروی انتظامی را به همراه ساختن ترحم و مهرورزی با اقتدار پلیسی توصیه کرده‌اند. ایشان در دیدار با فرماندهان و مدیران نیروهای انتظامی، «اقتدار» و «مهربانی» نیروی انتظامی را دو عنصر مکمل یکدیگر خواندند (خامنه‌ای، ۱۳۹۸) و در جای دیگری بیان داشتند: «لازمه برقراری امنیت اقتدار پلیس است اما این اقتدار باید همراه با عدالت، مروّت و ترحم باشد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴). از دیدگاه ایشان رأفت و رحمت، از صفاتی است که باید در نیروی انتظامی نمود عینی بیابد و نیروی انتظامی باید در کنار اینکه مأموریت‌های خود را با اقتدار انجام می‌دهد، در برخورد با مردم با مهربانی رفتار کند. فرماندهی معظم کلّ قوا در همین راستا فرمودند: «باید در مورد مردمی که می‌خواهید از خانه، جاده، امنیت مرز و کسب‌وکار آن‌ها محافظت کنید، احساس رأفت و رحمت داشته باشید. مردم باید این معنا را لمس کنند که همان نیروی مقتدر و باصلابتی که در مقابل شخص مخلّ امنیت، با کمال قدرت و صالبت می‌ایستد، وقتی با مردم و افراد مظلوم مواجه می‌شود، با رحمت و رأفت برخورد می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۴).

مهرورزی در تعامل با جامعه، از آن جهت اهمیت می‌یابد که سازمان پلیس حرکت و خط‌مشی کلی خود را به سمت جامعه‌محوری تغییر داده و سعی می‌کند به‌جای استفاده از شیوه‌های واکنش سریع در مقابله با جرم، بیشتر از روش‌های پیشگیرانه همچون مشارکت‌دهی مردم و نهادهای اجتماعی در کنترل جرم استفاده کند. پلیس علاوه بر آنکه یک نیروی دولتی اجبارکننده است، یک نیروی مدنی نیز به‌شمار می‌رود؛ یعنی علاوه بر اینکه مسئول تأمین نظم و استقرار و نگهداری امنیت است، موظف است با حفظ هویت سازمانی خود و با توجه به نوع فعالیت وارد حوزه عمومی شده و با شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت کند و پاسخگوی مردم برای استفاده از خدمات پلیس باشد. ایجاد بسترهای مناسب اجتماعی و اصلاح زیرساخت‌های سازمانی از جمله بایسته‌های تحقق این مشارکت است؛ اما برخورد آمیخته با ترحم و با انگیزه خیرخواهی این ظرفیت را دارد تا برای روابط اجتماعی پشتوانه‌ای عاطفی فراهم کند و

حیطه تعاملات اجتماعی را از چهارچوب قانون به حیطه وجدان گسترش دهد. علی‌رغم ضرورت این امر به جهت عدم وجود تصویری روشن از گستره مفهومی مهرورزی در سازمان پلیس، این مقوله بعضاً به تعهد در قبال اخلاق انتظامی تقلیل داده شده و هرگونه تجاوز از این حیطه در مقابل اقتداری تلقی می‌گردد که اصل حاکم در سازمان پلیس است؛ از این رو انجام تحقیقی راهبردی در خصوص ارائه الگویی که مشخص‌کننده شیوه‌های اعمال اقتدار همراه با مهرورزی باشد، ضروری است.

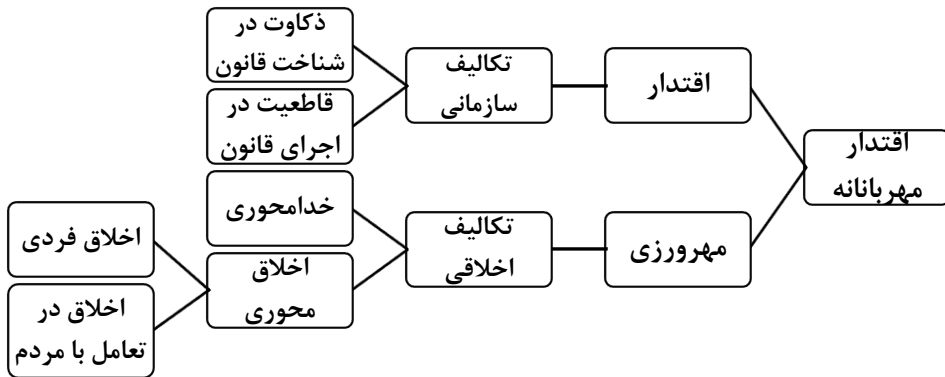
پیشینه و مبانی نظری

در داخل کشور پژوهش‌هایی به شیوه اسنادی و با استفاده از آموزه‌های دینی و سخنان مقام معظم رهبری به اصول اخلاق حرفه‌ای در سازمان پلیس پرداخته‌اند و در ضمن آن‌ها می‌توان مقوله مهرورزی را نیز به‌عنوان یکی از شاخصه‌های اخلاق حرفه‌ای مشاهده کرد؛ اما پژوهشی کیفی با مراجعه به فعالان این حوزه برای مشخص کردن شیوه‌ها، عوامل و موانع اجرای مهرورزی در تعامل پلیس و ارائه راهبردهای عملی برای اجرای آن دیده نمی‌شود. از جمله تحقیقات اسنادی در این زمینه، پژوهشی با عنوان «بسترهای اخلاقی نیروی انتظامی» است که در آن میرزابابایی و کشوردوست با تبیین مبانی اخلاق حرفه‌ای از دیدگاه اسلام، به اصول اخلاق حرفه‌ای در سازمان پلیس پرداخته‌اند؛ که عبارت‌اند از: اصل امانت‌داری، اصل خدمتگزاری، اصل مسئولیت‌پذیری، اصل انضباط کاری، اصل پیگیری، اصل مهرورزی، اصل رفق و مدارا، اصل خوش‌رفتاری، اصل بردباری، اصل دادورزی و اصل نفی خودکامگی (میرزا بابایی، ۱۳۸۷، ۵۴). ترابی نیز در تحقیقی اصول اخلاقی حاکم بر رفتار پلیس را از خلال فرمایش‌های مقام معظم رهبری استخراج کرده است. ایشان با اشاره به این نکته اصطلاح (SPR) به معنای خوش‌رفتاری، تخصص و خوش‌تنداری به‌عنوان سه اصل شناخته شده در حوزه اخلاق پلیسی هستند، به اصول کلی اخلاق حاکم بر رفتار پلیس از دیدگاه مقام معظم رهبری اشاره کردند. شاخص‌های کلی مفاهیم اخلاقی اشاره‌شده در کلمات مقام معظم رهبری که در مقاله فوق به آن اشاره شده عبارت‌اند از ۱. علم، دانش و اطلاعات تخصصی؛ ۲. تشخیص به‌موقع و سریع مسئله و روش حل آن‌ها؛

۳. خوش رفتاری، عطوفت و مهربانی با شهروندان به ویژه بزه دیدگان؛ ۴. خویشتن داری در حین اجرای مأموریت؛ ۵. امانت داری حین اجرای مأموریت؛ ۶. قانون گرایی حین اجرای مأموریت؛ ۷. عزت و مناعت طبع و نفوذناپذیری؛ ۸. شهامت اخلاقی و انتقادپذیری؛ ۹. شجاعت و روحیه فداکاری و ایثار؛ ۱۰. تعادل روانی و روحی در رفتار و عملکرد؛ ۱۱. عقلانیت و هوشمندی؛ ۱۲؛ قاطعیت و سختگیری در مقابل بزه کاران و مجرمان؛ ۱۳. عفت و پاک دامنی اخلاقی در اجرای مأموریت‌ها؛ ۱۴. برخورداری از روحیه انصاف و عدالت طلبی در داوری و قضاوت حین اجرای مأموریت؛ ۱۵. عدم سوءاستفاده از موقعیت‌ها و فرصت‌ها شغلی. (ترابی، ۱۳۸۳، ۱۲). محبی در پژوهش خود با عنوان «اخلاق پلیسی» سعی داشتند تا با استفاده از آیات و روایات و خصوصاً نهج‌البلاغه و همچنین سخنان بزرگان، ویژگی‌های مهم اخلاق پلیس را معرفی کند. ایشان پس از اشاره به اصول عام اخلاقی که سازمان پلیس در اغلب کشورها برای حاکم کردن و نهادینه کردن آن‌ها تلاش می‌کنند، به تشریح ویژگی‌های اخلاقی پلیس جمهوری اسلامی ایران پرداخته که عبارت‌اند از: ۱. احساس حضور در محضر خداوند؛ ۲. خوش رفتاری؛ ۳. عدالت خواهی و حق طلبی؛ ۴. امانت داری و صداقت؛ ۵. عشق به خدمت؛ ۶. رازداری؛ ۷. قناعت و مناعت طبع؛ ۸. ذکاوت، نظم و برنامه ریزی؛ ۹. اعتماد به نفس و قاطعیت در اجرای قانون؛ ۱۰. حیاء و عفت. (محبی، ۱۳۸۳، ۷۰).

آهنگران در پژوهشی با عنوان «پیشگیری انتظامی با الهام از عهدنامه مالک اشتر» به واکاوی اصولی پرداخته است که مورد سفارش امیر مؤمنان (ع) در نامه به مالک اشتر بوده و توجه فعالان حوزه انتظامی به آن‌ها، می‌تواند این سازمان را در نیل به اهداف (از جمله پیشگیری از جرم) یاری رساند. پژوهشگر در بخشی از این مقاله با الهام از نامه حضرت به ویژگی‌هایی که نیروهای انتظامی باید واجد آن باشند اشاره کرده و در ذیل هر کدام به نقش آن‌ها در پیشگیری از جرم پرداخته است. این اصول عبارت‌اند از: خیرخواهی برای خدای متعال؛ ۲. پاک‌ی و طهارت در دل و عمل؛ ۳. حلم و بردباری؛ ۴. عذر بخشی و بخشش؛ ۵. مهرورزی به ضعیفان؛ ۶. تأثیرناپذیری در مقابل قدرتمندان؛ ۷. ریشه داشتن در خانواده اصیل و با سابقه خوب. (آهنگران، ۱۳۹۵) عبدی در پژوهشی

با عنوان «درآمدی بر نظام‌نامه اخلاق پلیسی» به برخی از اصول اخلاق انتظامی اشاره کرده‌اند. ایشان در ابتدا با اظهار تأسف از اینکه در داخل کشور کار جدی در خصوص تنظیم نظام‌نامه اخلاق پلیسی صورت نگرفته به نظام‌نامه پلیس کشور انگلستان اشاره می‌کند. برخی از اصول اشاره شده در این نظام‌نامه عبارت است از: تلاش در جهت حفظ جان و مال مردم، دفاع از مظلوم در مقابل ظالم، احترام به حقوق مساوی و آزادی مردم، خویشتن‌داری در مقابل توهین و تمسخر، خوش‌رفتاری و برادری با همکاران، اطاعت از افسران مافوق، احترام به قوانین و مقررات سازمانی، رازداری و عدم افشای اسرار مردم مگر به اقتضای ضرورت شغلی، عدم تجسس به‌واسطه انگیزه‌های شخصی مانند حسادت و دشمنی، برخورد قاطع و بی‌رحمانه و سازش‌طلبانه با جنایتکاران، اجرای قانون با ادب و شایستگی و بدون استفاده از قدرت غیر لازم، عدم دریافت رشوه. درنهایت، نویسنده چند شاخص کلی اخلاق انتظامی را بیان می‌کنند که عبارت‌اند از: خدامحوری و دین‌مداری، دفاع از مظلوم و مقابله با ظالم، خوش‌رفتاری، خویشتن‌داری، افتخار و تعهد به سازمان. (عبدی، ۱۳۸۱، ۵-۱۶) مرور تحقیقات انجام‌شده در خصوص اصول اخلاق انتظامی مشخص می‌کند که بخشی از آن‌ها به جنبه سازمانی و مدیریتی نیروهای پلیس تأکید دارند و پایبندی به اصول سازمانی و تعهد در انجام وظایف و مسئولیت‌ها را مدنظر قرار داده‌اند و برخی دیگر بر جنبه اخلاق فردی تأکید می‌ورزند و برخورداری از برخی فضائل اخلاقی که عمدتاً در ارتباط با هم‌نوع است را توصیه می‌کنند. دسته اول مفاهیم را می‌توان ناظر به اقتدار پلیسی و بُعد سازمانی پلیس دانست و دسته دوم را ناظر به مقوله مهربانی و مهرورزی قلمداد کرد. این تقسیم‌نشانگر آن است که برداشت کلی پژوهشگران حوزه اخلاق انتظامی آن بوده که مهرورزی مقوله‌ای فردی است و با پایبندی به اخلاق حرفه‌ای توسط پرسنل انتظامی قرابت دارد و در این پژوهش‌ها، کمتر تبیین دقیقی از مهرورزی را می‌توان دید که بر اساس آن بتوان راهبردهایی در حوزه مدیریت پلیس ارائه داد. شبکه ارتباطی شاخص‌های عمده مورد اشاره پژوهش‌های پیشین در قالب شکل ۱ ترسیم شده است:



شکل ۱. روند نظری شکل‌گیری مفهوم اقتدار مهربانانه در پژوهش‌های پیشین

یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر رفتار پلیس، اقتدار است. اقتدار در لغت به معنای قدرت و توانایی بر یک شیء است (ابن منظور، بی‌تا، ۷۶) و در اصطلاح نوع خاصی از قدرت است که مشروع، قانونی و مقبول است و باید در موقعیت مقتضی مورد اطاعت و فرمان‌برداری واقع شود. (ظهیری، ۱۳۹۳، ۱۹) آنچه در تعریف اقتدار حائز اهمیت بوده و آن را از مقولاتی مانند قدرت و یا اعمال زور و فشار متمایز می‌کند، مشروعیت است؛ به این معنا که شخص صاحب اقتدار احساس می‌کند مرجعی این حق و اختیار را به او داده تا به عده‌ای دیگر دستور دهد و افراد تحت اقتدار نیز بر این باورند که اطاعت و فرمان‌برداری از فرد صاحب اقتدار از آن‌ها خواسته شده و این فرمان‌برداری تکلیف و تعهد آن‌هاست. پیبادی با اشاره به این ویژگی اقتدار بیان می‌کند تا زمانی رابطه اقتدار پابرجاست و گسسته نمی‌شود که این احساس و باور متقابل یعنی احساس حق و احساس تکلیف در دو سوی اقتدار وجود داشته باشد. (پیبادی، ۱۳۷۵، ۶۷) برای تعریف اقتدار می‌توان نتایج و کارکردهای آن را نیز در نظر گرفت. اقتدار در جهت تأمین منافع است که به عموم برمی‌گردد و صرفاً تأمین‌کننده منافع صاحب اقتدار نیست. ریچارد سنت با توجه به این ویژگی در توصیف اقتدار به منافع همچون ایجاد نظم و هماهنگی در افراد تحت اقتدار اشاره می‌کند که تأمین‌کننده منافع عموم است. وی شخص صاحب اقتدار را مانند رهبر یک ارکست می‌داند که از تبعیت گروه نوازندگان برای ایجاد یک نظم و هارمونی میان آن‌ها بهره می‌گیرد. در واقع اقتدار رهبر ارکست در

جهت تأمین منفعتی است که به کل برمی‌گردد و ایجاد خوف در گروه تحت فرمان از هرگونه تخلف نیز در جهت تأمین همین منفعت عمومی است و در همین راستا، صاحب اقتدار باید واجد صفاتی همچون بر خود مسلط بودن، داشتن نیروی برتر داوری، استعداد قبولاندن انضباط و توانایی برانگیختن بیم در دیگران باشد (سنت، ۱۳۷۸، ۲۳).

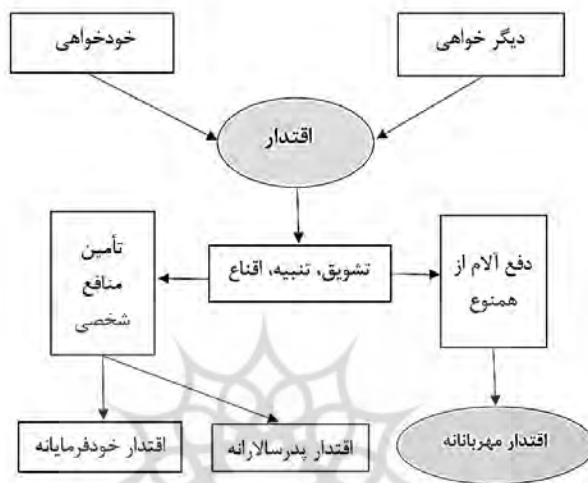
گالبرایت در کتاب *کالبدشکافی قدرت* به ابزارهای مختلف اعمال قدرت توجه کرده و از سه ابزار تنبیه، تشویق و اقناع نام می‌برد. در اعمال اقتداری که از طریق تنبیه و مجازات محقق می‌شود شخص فرمان‌بر برای در امان ماندن از مجازات روحی و جسمی، از اراده و خواست خود صرف نظر کرده و تابع اراده صاحب اقتدار می‌شود و در اقتداری که از طریق تشویق اعمال می‌شود نیز شخص تحت فرمان ترجیح می‌دهد از میل و خواست خود چشم‌پوشی کند تا به پاداشی که وعده داده شده برسد. گالبرایت وجه اشتراک دو نوع اعمال قدرت فوق را «عیان بودن» می‌داند به این معنا که کسانی که تسلیم اراده دیگران می‌شوند، با آگاهی کافی و به منظور دفع ضرر و یا جلب منفعت تبعیت از صاحب اقتدار را پذیرفته‌اند. باین حال در شکل دیگری از قدرت، که گالبرایت آن را اقتدار اقناعی می‌نامد، اقتدار به شکلی نامرئی اعمال می‌گردد؛ یعنی افراد به شکل ناخودآگاه و بدون آنکه متوجه باشند در حیطه اقتدار افراد دیگر داخل شده و از ایشان تبعیت کرده و اراده ایشان را به اراده خود ترجیح می‌دهند. وی سطره تبلیغات بر ذهن و فکر مردم در کشورهای صنعتی که باعث هدایت ایشان به سمت انتخاب نوع خاصی از کالا و یا سبک خاصی از زندگی است را نمونه‌ای از اقتدار اقناعی می‌داند (گالبرایت، ۱۳۶۶، ۳۷). اقسام مختلف ذکر شده برای اقتدار نشانگر آن است که اقتدار می‌تواند با انگیزه‌های مختلف اعمال شود و هدف صاحب اقتدار از اعمال قدرت نیز می‌تواند شخصی بوده و یا ناظر به منافع عموم باشد. در ادامه به رابطه اقتدار و مهرورزی اشاره خواهیم کرد تا مشخص گردد اقتدار مهرورزانه همان صورت مطلوب و اخلاقی از اعمال اقتدار است که اولاً مشروع است؛ و ثانیاً تأمین‌کننده منافع عموم است و ثالثاً از ابزارهای منفعت طلبانه همچون اقتدار اقناعی برای جلب تبعیت زیردستان استفاده نمی‌کند.

اقتدار و مهرورزی: اجتماع اقتدار و مهرورزی می‌تواند با تصحیح انگیزه اعمال اقتدار صورت مشروع از اقتدار را رقم زند. ممکن است گمان شود مهرورزی همان رابطه برادری است و در مقابل اقتدار قرار می‌گیرد چنان که سنت، اقتدار را یکی از اقسام چهارگانه روابط انسانی دانسته و آن را قیسم رابطه برادری معرفی کرده و آن دو را غیرقابل جمع می‌داند. (سنت، ۱۳۷۸، ۱۳-۱۲) باین حال، اگر از منظر اخلاق به موضوع نگرسته شود، اقتدار و برادری نه تنها قابل جمع اند بلکه اجتماع آنها شرط ضروری برای اخلاقی شدن اقتدار است. ضرورت همراه ساختن اقتدار با انگیزه‌های دیگرخواهانه را می‌توان در کتاب *جامع السعادات* مرحوم نراقی مشاهده کرد. ایشان با اشاره به غریزی بودن حبّ جاه و قدرت و هدفمندی وجود آن در نهاد انسان به جهت اقتضائات زیست اجتماعی، تلاش برای کسب قدرت برای خود قدرت و تسلط بر دیگران را مورد مذمت عقلا و فاقد ارزش اخلاقی دانسته و زمانی آن را اخلاقی می‌داند که برای رسیدن به هدفی دیگر آلت و ابزار می‌باشند. (نراقی، ۱۳۸۸، ۲۲۳) گالبرایت نیز در کتاب *کالبدشکافی قدرت*، کسب قدرتی را که هدف از اعمال آن صرفاً کسب قدرت باشد، را کمتر از انواع دیگر اخلاقی دانسته و بیان می‌کند به حکم اخلاق و درستی و پاکی نباید به قدرتی که فقط به خاطر قدرت به کار می‌رود زیاد راه داد و به وی امتیاز بخشید و قدرت نباید فقط به خاطر لذت و حظّ وافر که از آن حاصل می‌شود، پی‌جویی شود. (گالبرایت، ۱۳۶۶، ۳۳) لزوم همراهی اقتدار و حس برادری و مهرورزی در اخلاق را می‌توان بر اساس مبانی مکتب عاطفه‌گرایی تبیین کرد. در مکتب دیگرگرایی که افرادی مانند شوپنهاور، دیوید هیوم، آدام اسمیت و آگست کنت از جمله طرفداران آن‌اند، گرایش‌های درونی انسان به دو دسته غرایز و عواطف تقسیم می‌شود و تنها اعمالی که مطابق عواطف انسانی باشد را خوب دانسته و هرچه مخالف آن و در نتیجه خودخواهی و خودگرایی باشد را بد قلمداد می‌کنند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ۲۰۴) از این رو، اعمال اقتدار اگر از این بابت باشد که خیری به دیگران برسد و مشکلی از آن‌ها مرتفع شود و یا در جهت بهبود شرایط زیست فردی و اجتماعی دیگران مددی رساند، از منظر اخلاق، فعلی کاملاً اخلاقی است و دوست داشتن آن از این جهت

مذموم نخواهد بود، ضمن اینکه اعمال چنین اقتداری موجب کمال شخص صاحب اقتدار نیز می‌شود و خود وی نیز از آن خیر می‌برد. از این ویژگی خاص که باعث اخلاقی شدن اقتدار می‌شود، می‌توان به مهرورزی یاد کرد. مهر در لغت به معنای رحم، شفقت، محبت، نرم‌دلی، مروت، عشق، رأفت و عطوفت است (دهخدا، ذیل مهر) و مهرورزیدن یعنی دوستی کردن، محبت کردن، عاشق بودن، عشق‌باختن و عشق ورزیدن مهرورزی معادل کلمه «ترحم» در زبان عربی است. راغب در مورد واژه «رحمة» بیان کرده که به معنای رقت قلبی است که باعث احسان به غیر می‌شود (اصفهانی، ۱۴۱۲، ق، ۳۴۷) لذا مهرورزی و مهربانی در احساس محبت و رأفت قلبی نسبت به هم‌نوع است که نتیجه آن غمخوارگی نسبت به دیگر انسان‌ها و داشتن دغدغه در کاهش دادن آلام و رنج آن‌هاست. ترحم و مهرورزی در ادبیات دینی و آموزه‌های اخلاقی اسلام نیز جایگاه ویژه‌ای دارد، به گونه‌ای که خداوند در قرآن کریم نشانه مؤمنان را توصیه یکدیگر به صبر و داشتن ترحم نسبت به هم معرفی کرده است (سوره بلد، آیه ۱۷) و امیر مؤمنان (ع) نیز در توصیه‌های خود به مالک اشتر هنگام انتصاب به عنوان والی، او را به ترحم نسبت به مردم سفارش می‌کند. (رضی، ۱۴۱۴، ق، ۴۲۸) اقتدار مهرورزانه را می‌توان در مقابل گونه‌های دیگری از انواع اقتدار دانست که با انگیزه‌های خودگرایانه و به منظور تأمین اهداف شخصی اعمال می‌شود و فاقد ارزش اخلاقی است. اقتدار پدرسالارانه و خودفرمایانه از جمله آن‌هاست. ریچارد سنت در کتاب «اقتدار» با تحلیل تاریخی اقتدار فرمانروایان در جوامع مختلف به تحلیل ویژگی‌های آن در عصر مدرن پرداخته و توضیح می‌دهد که در جوامع دودمانی پدرسالار، آزادی افراد در محیط خانواده محدود می‌شد و زمانی که افراد به سن بزرگسالی می‌رسیدند آزاد می‌شدند، اما در جوامع لیبرال کنونی رهبران و مدیران جای پدران گذشته را پر کرده‌اند. در چنین نظام‌های پدرسالار نوین، مدیران از تابعان و زیردستان انتظار دارند که رفتارشان همراه با وفاداری، حق‌شناسی و پذیرندگی باشد. (سنت، ۱۳۷۸، ۸۶). نوع دیگری از اقتدار که سنت آن را در مقابل اقتدار پدرسالارانه قرار می‌دهد، اقتدار خودفرمایانه است. اتونوم یا خودفرمان در لغت به معنای خودبستگی است و از زمان رنسانس به بعد، اتونوم به

کسی اطلاق شد که صاحب اقتدار خویشتن است. در قرن نوزدهم نوعی از اقتدار رایج گشت که نه بر پایه تفاوت‌های مادی، بلکه بر اساس خدمات و استعدادها استوار بود. در این معنا از اقتدار، شخص مقتدر خودفرمان احساس می‌کند که بیش از آنکه خود به دیگران نیاز دارد، وجودش برای دیگران ضرورت دارد و آن‌ها هستند که به وی نیاز دارند، از این رو می‌توانست نسبت به دیگران بی‌اعتنا بماند؛ به‌عنوان مثال کارمند دفتری بنگاه حمایت اجتماعی که شاهد وحشت و نگرانی متقاضی پرکننده یک درخواست است، اما اعتنایی به او نمی‌کند و یا پزشکی که با مراجعه‌کنندگان مثل اشیاء رفتار می‌کند نه مثل اشخاص، با این رفتارها نوعی بی‌تفاوتی از خود نشان می‌دهند که بیانگر سلطه آنان نسبت به دیگران است. خودفرمانی سبب می‌شود تا افراد، نیازی به برقرار کردن روابط باز و متقابل با اشخاص دیگر نداشته باشند. بلکه این دیگران هستند که محتاج ایجاد ارتباط با آن‌ها هستند. همین مسئله است که باعث می‌شود شخص خودفرمان موقعیت مسلط را در اختیار داشته باشد. شیوه‌ای که در اعمال اقتدار خودفرمایانه به کار گرفته می‌شود اگرچه در ظاهر شیوه‌ای محترمانه است و برخلاف اقتدار پدرسالارانه به آزادی زیردستان کاملاً احترام گذاشته می‌شود اما در صداقانه بودن آن می‌توان به جدّ تردید کرد. شخص مقتدر چیزی را اظهار می‌کند که جز ترفندی برای مدیریت کردن بر زیردستان و انقیاد آنان در مقابل اقتدار خویش و بازداشتن ایشان از تمرّد و سرپیچی نیست. وی وانمود می‌کند که به زیردستان نیازی ندارد؛ اما در واقع محتاج آنان و نیروی کار ایشان و توانایی‌ها و استعدادهایشان است اما اگر چنین امری را اظهار کند، اقتدار خود را در نزد ایشان از دست می‌دهد. اعمال اقتدار خودفرمایانه با اعمال زور محقق نمی‌شود اما سعی می‌کند الزام و اجبار را تبدیل به نیرو و الزامی درونی در فرمان‌برداران کند. با توجه به گونه‌های مختلف اقتدار می‌تواند گفت اقتدار مهرورزانه شیوه‌ای از اعمال اقتدار است که در مقابل دو گونه پدرسالارانه و خودفرمایانه قرار می‌گیرد و باید راهبرد کلی سازمان پلیس در تعامل با گروه‌های اجتماعی باشد. توجه به عوامل مشروعیت‌بخش اقتدار در سازمان پلیس مشخص می‌کند که این نوع اقتدار اهدافی را دنبال می‌کند که رعایت اصل مهرورزی و برادری زمینه

مساعدت‌ری را برای تحقق آن‌ها فراهم می‌کند و یافتن راهبردهای مشخصی برای اعمال همزمان اقتدار و مهرورزی سازمان پلیس در جلب مشارکت مردم جهت کنترل جرم و استقرار نظم و امنیت کارآمدتر خواهد کرد. روند شکل‌گیری مفهوم اقتدار مهربانانه با ابتناء بر چهارچوب نظری تحقیق را می‌توان در قالب شکل ۲ به نمایش گذاشت:



شکل ۲. روند نظری شکل‌گیری مفهوم اقتدار مهربانانه بر اساس مبانی نظری

روش

پژوهش از حیث هدف، توصیفی و از نظر خروجی پژوهش، کاربردی است. پژوهش مقطعی بوده و در بازه زمانی اردیبهشت ۱۳۹۶ تا شهریور ۱۳۹۷ صورت پذیرفته است. روش پژوهش کیفی و داده‌بنیاد است و داده‌ها با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با خبرگان در این حوزه جمع‌آوری شده است. روش تحلیل داده‌ها نیز به دو روش تحلیل محتوا و تحلیل راهبردی است. در ابتدا با بهره‌گیری از روش اسنادی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تحقیقات انجام گرفته در موضوع تحقیق، مفاهیم و چارچوب نظری تعیین شد و سپس چهار متغیر مفهوم مهرورزی، شیوه‌ها، عوامل و پیامدهای اقتدار همراه با مهرورزی در تعامل پلیس و جامعه به روش مصاحبه نیمه‌باز از ۲۰ نفر از معاونان و فرماندهان نیروی انتظامی استان قم و رؤسای کلانتری شهرستان قم پرسیده شد. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به روش تحلیل محتوا کدگذاری و با روش

تحلیل راهبردی تحلیل شده و برای بررسی اعتبار کیفی پژوهش، یافته‌های پژوهش در دو مرحله (یکی در دفتر تحقیقات نیروی انتظامی استان قم و دیگری در پژوهشگاه نیروی انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا در تهران) توسط استادان صاحب تخصص در این حوزه ارزیابی شد و نتایج حاصله بر اساس نظر ایشان مورد بازبینی و تحلیل مجدد قرار گرفت و در نهایت هجده راهبرد ارائه شد.

یافته‌ها

در جدول شماره ۱ دسته‌بندی مفاهیم استخراج‌شده از مصاحبه‌ها درمورد مفهوم مهرورزی در ذیل چهار مقوله ارائه شده است.

جدول ۱. مقولات استخراج‌شده از متن مصاحبه‌ها در بُعد مفهوم مهرورزی در سازمان پلیس

تکرار	مفاهیم	مقوله
۱	احترام به حقوق شهروندی مجرمین	شناخت و پایبندی به قانون
۱	التزام به اخلاق حرفه‌ای	
۱	رعایت موازین و احکام شرعی	
۱	اجرای مرقانون و تبعیت از قوانین سازمانی	
۱	هوشمندی در شناخت قانون	
۱	پرهیز از خشونت و کتک زدن متهم و مجرم	
۱	برخورد قاطع با متخلفین	اجرای قاطعانه قانون
۱	اجرای قاطع قانون همراه با تکریم و احترام متخلفین	روحیه غنا و بی‌نیازی
۱	عدم دریافت وجوه غیرقانونی	
۱	عدم استفاده شخصی از موقعیت شغلی	
۱	عدم توصیه پذیری از سازمان‌ها و نهادهای دیگر	خیرخواهی و خیررسانی
۱	خویشترداری در مقابل اهانت مجرمان و متخلفان	
۱	محبت و رأفت قلبی	
۱	عطوفت و همدردی	
۱	اغماض و درخواست تخفیف	
۱	سعه صدر با رانندگان متخلف	
۱	داشتن روحیه صداقت و خیرخواهی	

تکرار	مفاهیم	مقوله
۱	رعایت ادب و خوش خلقی	
۱	صبر و حوصله در برخورد با مردم	
۱	گفت‌وگویی نصیحت‌آمیز برای انصراف از جرم	

مفاهیم و مقولات استخراج‌شده در مورد شیوه اعمال اقتدار همراه با مهرورزی با هر یک از دسته‌های اجتماعی در جدول ۲ ارائه شده است:

جدول ۲. روش‌های اعمال اقتدار همراه با مهرورزی از مصاحبه‌شوندگان

تکرار	نوع رفتار	شاخص	دسته‌های اجتماعی
۱	احترام به حقوق شهروندی	پایبندی به اخلاق حرفه‌ای	تمامی مجرمین
۲	پرهیز از افراط و تفریط در برخورد با مجرمین و اجرای مقرّ قانون		
۲	خویش‌داری در مقابل اهانت و توهین		
۱	عدم استفاده از کلمات رکیک و زشت		
۲	موقعیت‌سنجی در شیوه اعمال قانون	هوشمندی	
۱	پذیرش عذر رانندگان متخلف در صورت اطمینان به راست‌گویی	اغماض هوشمندانه	مجرمین عادی
۲	چشم‌پوشی و درخواست تخفیف برای مجرمین غیر سابقه‌دار		
۱	سعه‌صدر و صبوری در برخورد با تجمعات اعتراض‌آمیز		
۱	عدم نظامی‌گری در انجام مأموریت‌ها و ندیدن مردم به چشم رقیب		
۱	برخورد بدون اغماض با اختلال‌کنندگان در نظم و امنیت عمومی	برخورد قاطع	مجرمین به عادت
۴	برخورد قاطع و بدون اغماض با مجرمین سابقه‌دار و اشرار		
۱	اعمال قانون بدون اغماض در مورد تخلفات		

تکرار	نوع رفتار	شاخص	دسته‌های اجتماعی
	رانندگی حادثه‌ساز		
۱	برخورد قاطع و بدون اغماض با متجاوزین به جان و ناموس مردم		
۵	صحبت دوستانه و موعظه‌گونه و تلاش جهت انصراف از جرم	گفت‌وگویی نصیحت‌آمیز	
۳	عدم لحاظ منافع فرد یا گروه خاص در اعمال قانون	عدم منفعت- محوری	
۱	قرار دادن امکانات به نحو یکسان در اختیار تمامی افراد و گروه‌ها		
۱	عدم دریافت وجوه غیرقانونی		
۱	ملاقات مردمی و شنیدن مشکلات به صورت مستقیم		عموم مردم و سازمان‌های دیگر
۱	برخورد حسنه و احترام‌آمیز با مراجعین	مشاوره ناصحانه	
۱	صرف وقت در کلاتری و ارائه مشاوره برای حل منازعات خانوادگی		

در جدول شماره ۳ مفاهیم استخراج شده و مقولات مرتبط در مورد عوامل زمینه‌ساز مهرورزی در تعامل با جامعه ارائه شده است:

جدول ۳. شاخص‌های عوامل زمینه‌ساز اقتدار همراه با مهرورزی از مصاحبه‌شوندگان

تکرار	مفاهیم	مقوله‌ها
۵	باورهای دینی و روحیات معنوی نیرو و پرسنل	زمینه‌های برون‌سازمانی
۲	صفات شخصیتی و خلیقات روحی نیرو و پرسنل	
۴	استفاده از امکانات رسانه‌ای برای آشنایی مردم با خدمات پلیسی و آشنایی با قوانین حقوقی و جزایی	
۳	همکاری نهاد و سازمانی دیگر از جمله حوزه علمیه و شهرداری	
۵	افزایش انگیزه نیرو برای خدمت در نیروی انتظامی	زمینه‌های درون‌سازمانی
۳	دقت در گزینش نیروی با هوش بالا و خلیقات متعالی	

تکرار	مفاهیم	مقوله‌ها
۴	اصلاح ساختار هوشمند کنترل جرم و نیز طراحی فضای کلانتری‌ها	
۱	افزایش مطالبات بالادستی و تقویت سازوکارهای نظارتی بر عملکرد نیرو	

مقوله‌بندی کدهای استخراج شده از مصاحبه‌ها در مورد موانع و چالش‌های مهرورزی در جدول ۴ ارائه شده است:

جدول ۴. شاخص‌های موانع اقتدار مهربانانه از مصاحبه‌شوندگان

تکرار	مفاهیم	مقوله
۳	فشار افکار عمومی برای بر برخورد خشن با مجرمین	موانع برون‌سازمانی
۴	فشار افراد و سازمان‌های در تعامل پلیس برای عدم اجرای قانون	
۵	عدم تعامل سازنده برخی دستگاه‌ها در تعامل با نیروهای پلیس	
۶	سختی کار و تحمل فشار روانی	موانع درون‌سازمانی
۶	مسائل معیشتی	
۴	عدم تناسب امکانات در اختیار با مطالبات بالادستی	

در جدول شماره ۵ مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌های در مورد آثار و پیامدهای اعمال اقتدار همراه با مهرورزی تحت سه شاخص کلی دسته‌بندی شده است.

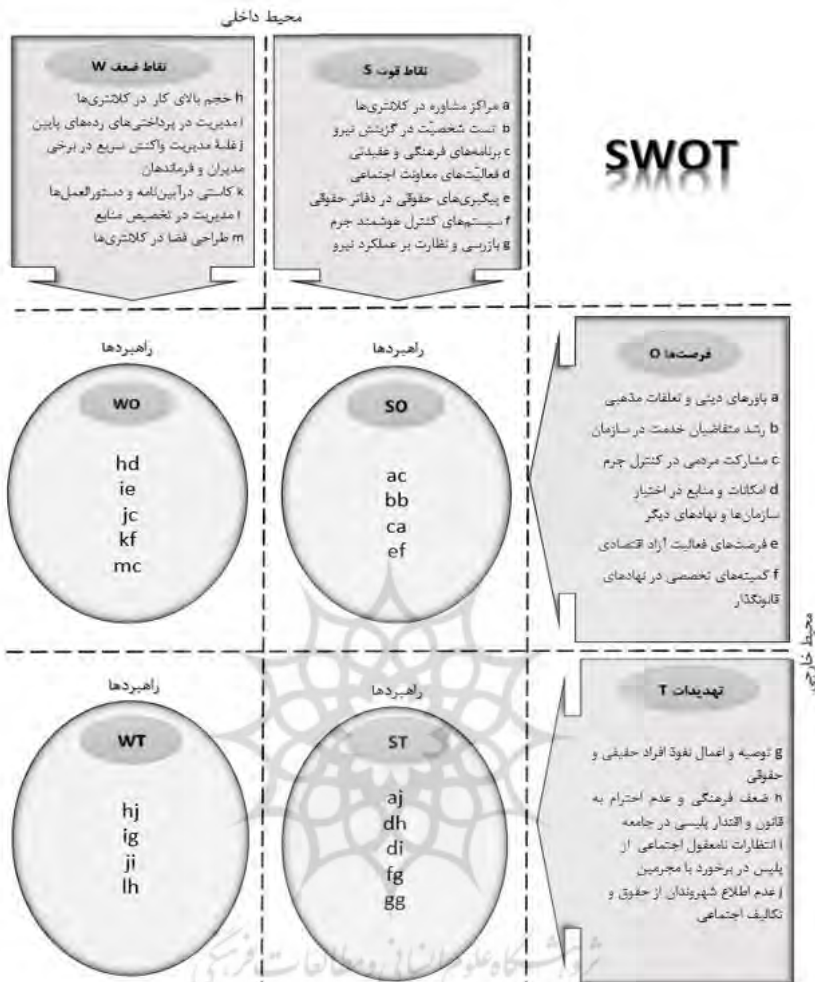
جدول ۵. شاخص‌های نتایج اقتدار همراه با مهرورزی از مصاحبه‌شوندگان

تکرار	مقوله‌ها	شاخص‌ها
۱۰	انصراف از ارتکاب جرم در نتیجه مشاهده برخورد احترام‌آمیز	کنترل و پیشگیری از جرم
۶	اعتماد به پلیس و دریافت مشاوره‌های انتظامی و اعمال آن‌ها	
۲	فصله یافتن اعتراضات اجتماعی با حضور مسئولین انتظامی در جمع معترضان و شنیدن مطالبات	
۱	احساس مشارکت در تصمیم‌سازی درخصوص مسائل انتظامی	عدالت‌ورزی در خدمات‌رسانی
۵	رضایتمندی از دریافت خدمات برابر و بدون تبعیض از پلیس	افزایش امکانات در
۳	مشارکت سازمان و نهادهای اجتماعی در پیشگیری و کنترل	

	جرم	اختیار
۱	مشارکت مردم و نهادهای مردمی در تأمین امنیت محلات	

از آنجا که سؤال اصلی در تحقیق حاضر تعیین راهبردهای اعمال اقتدار مهربانانه در تعامل پلیس و جامعه است، برای تعیین راهبرد کلی سازمان پلیس برای اعمال اقتدار مهربانانه از روش تحلیل راهبردی SWOT کمک گرفته شد. در این روش با مطالعه محیط خارجی به شناسایی فرصت‌ها و تهدیداتی اقدام می‌شود که می‌توان بر سیاست‌های کلی سازمان تأثیرگذار باشند. شناسایی این عوامل به سیاست‌گذاران کلان مؤسسه و سازمان کمک می‌کند تا با به‌دست آوردن شناختی دقیق از ضعف‌ها و قوت‌های خود، آن‌ها در جهت استفاده از فرصت‌های خارج از سازمان و نیز فائق آمدن بر تهدیدات خارجی سیاست‌گذاری کنند. (فیشر^۱، ۱۹۸۹، صص ۱۵۷-۱۸۰). برای این منظور نقاط قوت و ضعف درونی و فرصت‌ها و تهدیداتی بیرونی در چهار حالت SO و ST و WO و WT به هم پیوند داده می‌شود تا در نهایت گزینه‌های راهبرد مشخص شود. در حالت WO راهبردهایی مشخص می‌گردد که به‌واسطه آن می‌توان از فرصت‌های بیرونی برای کاستن یا از بین بردن درون سازمان برای نیل به اهداف استفاده کرد و در نهایت در حالت WT از راهبردهایی صحبت می‌شود که می‌توان با کاستن از ضعف‌ها بر تهدیدات بیرونی چیره شد. (جفری و کارون، ۱۳۸۲، ۱۹۲).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۲. الگوی راهبردی در مورد اقتدار مهربانانه در تعامل پلیس و جامعه

* راهبرد ۱ (ac): مراکز مشاوره در کلانتری‌ها باید به منظور ایجاد بستر مناسب برای همکاری بیشتر پلیس و جامعه در جهت انتقال اطلاعات امنیتی به مردم و دریافت اطلاعات مفید در خصوص مسائل جرم‌خیز، اصول صداقت، امانت و خیرخواهی را رعایت کنند.

* راهبرد ۲ (bb): نیروی انتظامی باید از فرصت افزایش تقاضا برای خدمت در نیروی انتظامی برای گزینش افرادی با صفات شخصیتی و اخلاقی همچون هوشمندی،

خویشتن‌داری، نوع‌دوستی و خوش‌خلقی از طریق توسعه و علمی‌سازی تست‌های شخصیت در مراحل گزینش نیرو استفاده کند.

* راهبرد ۳ (ca): دواير عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی باید از وجود عناصر مذهبی فرهنگ عمومی مانند اعتقادات و باورهای مذهبی برای افزایش انگیزه نیرو برای خدمت در مناطق مختلف و تقویت نیروی بازدارندگی درونی از طریق توسعه برنامه‌های فرهنگی و عقیدتی استفاده کند.

* راهبرد ۴ (ef): دفاتر حقوقی نیروی انتظامی باید از فرصت وجود کمیته‌های تخصصی در نهادهای قانون‌گذار برای تأمین خلأ قانونی و کمبود اختیارات در انتخاب شیوه‌های اعمال مهرورزانه قانون از طریق حضور فعال در این کمیته‌ها و رایزنی و ارائه مشاوره استفاده کند.

* راهبرد ۵ (aj): مراکز مشاوره در کلاسترهای باید در تعامل با مراجعین متقاضی مشاوره‌های امنیتی، حقوقی و اجتماعی نهایت صداقت و خیرخواهی را به کارگیرد تا با جلب اعتماد آن‌ها زمینه مشارکت اجتماعی در کنترل جرم را افزایش دهند.

* راهبرد ۶ (dh): معاونت اجتماعی نیروی انتظامی باید از طریق آموزش‌های همگانی و انعکاس فعالیت‌های پلیسی ضعف فرهنگ عمومی در احترام به قانون و احترام به اقتدار پلیس را اصلاح کند.

* راهبرد ۷ (di): معاونت اجتماعی نیروی انتظامی باید از طریق آموزش‌های همگانی، انتظارات نامعقول اجتماعی در خصوص اعمال خشن قانون با مجرمین را اصلاح کرده و جامعه را در خصوص نتیجه‌ساز نبودن این‌گونه اقدامات آگاه سازد.

* راهبرد ۸ (fg): معاونت مهندسی نیروی انتظامی باید از طریق توسعه سیستم‌های هوشمند کنترل جرم از مواجهه فیزیکی و مستقیم پلیس با مجرمین و متخلفین که احتمال بروز توصیه‌پذیری پلیس از افراد حقوقی و حقیقی را بالا می‌برد، بکاهد.

* راهبرد ۹ (gg): سازمان بازرسی نیروی انتظامی برای جلوگیری از اعمال نفوذ و ارائه پیشنهاد‌های غیرقانونی توسط افراد حقیقی و حقوقی جهت عدم اعمال قانون، باید نظارت بیشتری را بر بخش‌های مختلف سازمان به عمل آورد.

* راهبرد ۱۰(hd): معاونت پیشگیری نیروی انتظامی به منظور کاهش حجم کار در کلانتری‌ها که باعث فشار روانی و بدخلقی نیرو در تعامل با مجرمین و مردم می‌شود، باید با نهادها و سازمان‌های دخیل در کنترل جرم رایزنی کرده و از منابع در اختیار آن‌ها برای پیشگیری از وقوع جرم تلاش کند.

* راهبرد ۱۱(ie): مسئولان ارشد نیروی انتظامی به منظور کاستن از مشکلات معیشتی که باعث دغدغه خاطر نیرو و برخوردهای غیر حرفه‌ای و غیر اخلاقی با جامعه می‌شود، باید از فرصت انجام فعالیت‌های اقتصادی مشروع و قانونی نیرو در وقت‌های آزاد که مخلّ به وظایف پلیسی نباشد، استقبال کند.

* راهبرد ۱۲(jc): معاونت تربیت و آموزش نیروی انتظامی باید با توسعه دوره‌های آموزشی ضمن خدمت نسبت به توانمندی سازی فرماندهان ارشد عملیاتی در شناخت شیوه‌های نوین کنترل جرم و نحوه استفاده از اطلاعات میدانی اقدام کرده و از فشار روانی بر مأمورین نسبت به انجام سریع مأموریت‌ها و عدم تمرکز بر اعمال هوشمندانه قانون بکاهد.

* راهبرد ۱۳(kf): مدیران ارشد در دوایر مختلف نیروی انتظامی در تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرائی باید شیوه‌های متفاوت اعمال اقتدار مهربانانه در تعامل با گروه‌های مختلف اجتماعی را لحاظ کرده و در صورت وجود خلأ قانونی از طریق دفاتر حقوقی سازمان اقدام کنند.

* راهبرد ۱۴(mc): کلانتری‌ها باید با اصلاح فضای محیطی و تعبیه قسمت‌هایی برای خدمات اجتماعی انگیزه مردم برای مراجعه به کلانتری‌ها و مشارکت بیشتر با پلیس را افزایش دهند.

* راهبرد ۱۵(hj): معاونت اجتماعی سازمان باید با آگاهی‌بخشی به شهروندان از حقوق و تکالیف شهروندی از بروز منازعات و مراجعه به کلانتری‌ها بکاهد تا با کاهش حجم کار در کلانتری‌ها از بروز رفتارهای خشن و غیر اخلاقی نیرو به سبب فشار کاری جلوگیری شود

* راهبرد ۱۶ (ig): مدیران ارشد سازمان باید با تلاش در جهت بهبود وضعیت معیشت پرسنل به‌ویژه در بخش‌های عملیاتی از پذیرش پیشنهادهای منفعت‌محورانه و وجوه غیرقانونی جلوگیری کنند.

* راهبرد ۱۷ (ji): بخش‌های عملیاتی نیروی انتظامی باید با اصلاح شیوه‌های واکنش - محور و اتخاذ روش‌های متنوع اعمال قانون با دسته‌های مختلف مرتکبین جرائم و تخلفات، از شکل‌گیری انتظارات نامعقول اجتماعی در برخورد خشن با تمامی متخلفین و مجرمین جلوگیری کنند.

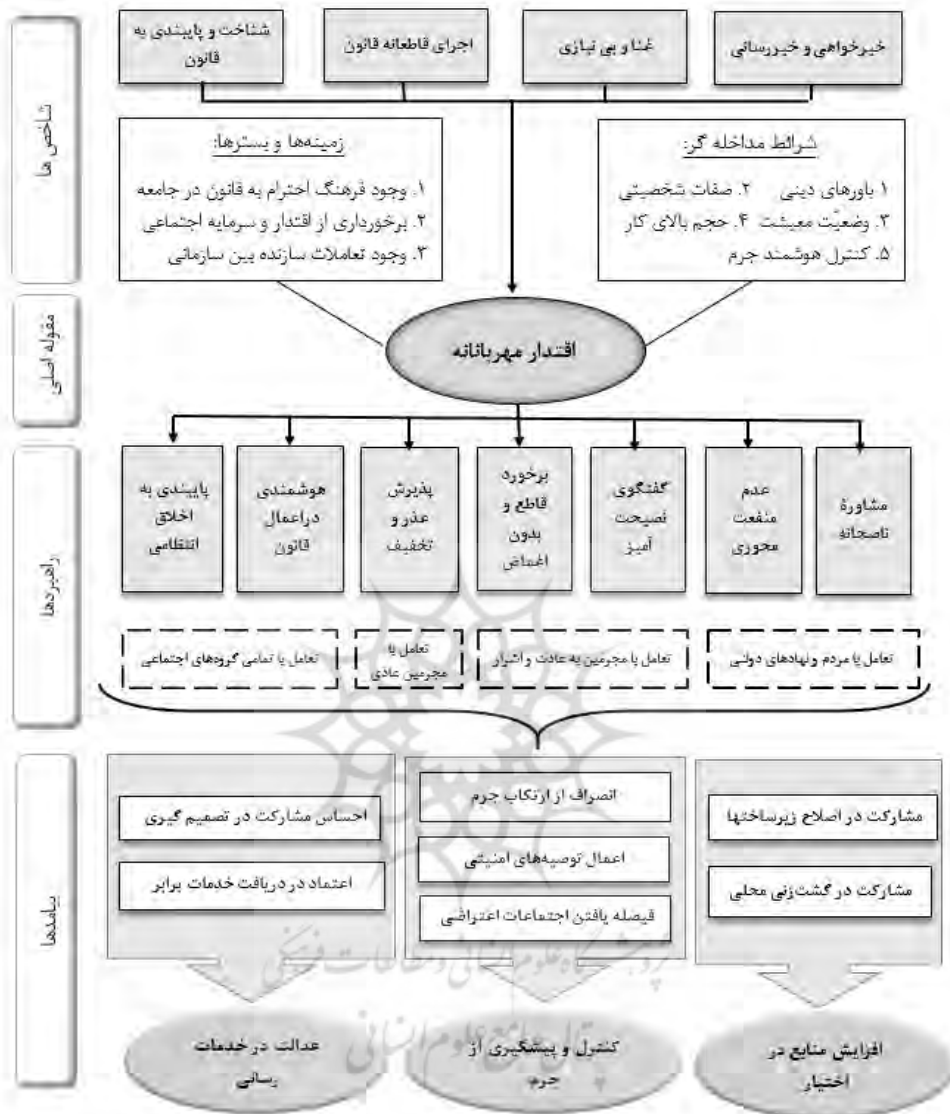
* راهبرد ۱۸ (lh): مدیریت طرح و برنامه نیروی انتظامی باید با عطف توجه بیشتر به اختصاص بودجه و تأمین منابع در اختیار کلانتری‌ها، از بروز صحنه‌هایی که اقتدار پلیس در جامعه را به چالش می‌کشد جلوگیری کرده و با افزایش اقتدار پلیس در افکار عمومی، بستر لازم برای تعامل مهرورزانه پلیس با جامعه را فراهم سازد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مدیران ارشد سازمان پلیس به این مسئله واقف‌اند که مهرورزی علاوه بر اصلی در اخلاق حرفه‌ای پلیس، می‌تواند به‌عنوان راهبردی کلی در حوزه مدیریت پلیسی نیز لحاظ شود. در رویکرد جدید جامعه‌محور به مدیریت پلیسی انجام اقداماتی همچون جلب مشارکت عمومی برای حل مسائل جرم خیز دغدغه اول مدیریت پلیسی است و نتایج این تحقیق نشانگر آن است که همراه ساختن اقتدار پلیسی با روحیه مهرورزی می‌تواند در جهت جلب بیشتر مشارکت عمومی و کنترل جرم مؤثر واقع شود. مهرورزی در مدیریت پلیسی اقتضا می‌کند تا سازمان پلیس به‌جای واکنش یکسان در قبال تمامی جرائم با هوشمندی شیوه اعمال قانون متناسب با هر جرم بسته به گروه‌های مختلف مرتکبین جرائم و تخلفات اعم از مجرمین به عادت، مجرمین عادی و عموم مردم را انتخاب کرده و در کنار برخورد قاطع و بدون اغماض در مواجهه با برخی جرائم، مواردی همچون ارائه مشاوره، پذیرش عذر و تخفیف و گفت‌وگوی نصیحت‌آمیز در قبال جرائمی که از سوی مجرمین عادی و عموم مردم انجام شده را در دستور کار خود قرار دهد. هوشمندی در انتخاب شیوه اعمال قانون می‌تواند سازمان

پلیس را در رسیدن به اهداف کلان این سازمان همچون گسترش عدالت در خدمت‌رسانی و کنترل و پیشگیری از جرم یاری رساند. آنچه این یافته را تأیید می‌کند، برشمردن عقلانیت و هوشمندی و تشخیص به‌موقع و سریع مسئله و حل آن‌ها به‌عنوان مصداقی از مهرورزی در توصیه‌های مقام معظم رهبری است که در قسمت پیشینه این تحقیق به آن اشاره شد. البته هوشمندی در اعمال قانون نیازمند پیش‌نیازهایی است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها اصلاح قوانین موجود در جهت توسعه اختیارات سازمان پلیس در حوزه اعمال قانون است؛ ضرورتی که در مدیریت نوین پلیسی در قالب اصل «آگاهی از وظایف و توازن بین آن‌ها» به آن توجه شده است. (میلر^۱، ۲۰۰۵، ۸۱-۸۰)





شکل ۳. الگوی نهایی تحقیق

پیشنهادها: بر اساس نتایج حاصل از پژوهش پیشنهادهای زیر برای اجرایی شدن الگوی اقتدار همراه با مهرورزی پیشنهاد می‌شود:

- با توجه به خلأ قانونی موجود در اعمال برخی راهبردهای ارائه شده و از جمله انتخاب شیوه‌های اعمال قانون توسط یگان‌های مختلف ناجا پیشنهاد می‌شود دوایر حقوقی نیروی انتظامی ریزنی‌های لازم با نهادهای قانون‌گذار را انجام دهند.
- با توجه به اهمیت بُعد دانشی در مدل اقتدار همراه با مهرورزی برنامه‌های منظم و مداوم برای ارتقای سطح علمی و آشنایی مدیران، فرماندهان و به‌ویژه نیروهای عملیاتی در یگان‌های مختلف ناجا با راهبردهای ارائه‌شده در این پژوهش تدوین و اجرا شود.
- با توجه به ارتباط مستقیم مهرورزی و خویش‌داری با میزان کمی و کیفی وظایف و مسئولیت‌ها، آیین‌نامه‌های اجرایی در توزیع تجهیزات و امکانات در اختیار سازمان، متناسب با وظایف و حجم مأموریت هر یگان مورد بازبینی قرار گیرد.
- با توجه به اهمیت مقوله هوشمندی در مدل اقتدار همراه با مهرورزی، فرایندهای سازمانی ناجا در رابطه با نحوه تأمین، جذب و به‌کارگیری نیروی انسانی با در نظر گرفتن شاخصه‌های روانی و شخصیتی بازنگری و اصلاح شود.
- با توجه به ارتباط مستقیم اعمال برخی راهبردهای ارائه‌شده در این پژوهش با باورها و اعتقادات مذهبی نیرو و پرسنل، برنامه‌هایی برای تقویت انگیزه‌های معنوی و ترویج فرهنگ خدمت‌رسانی در ناجا به اجرا درآید.
- با توجه به اهمیت ارائه مشاوره توسط پلیس به گروه‌های اجتماعی در مدل اقتدار همراه با مهرورزی، تولید برنامه‌های رسانه‌ای برای معرفی مراکز مشاوره در کلاتری‌ها و خدمات ارائه‌شده در این مراکز افزایش یابد.

سیاسگزاری

در پایان لازم است از حمایت‌های پژوهشگاه نیروی انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا و نیز رئیس و پرسنل دفتر تحقیقات علوم انتظامی استان قم که زمینه انجام این پژوهش را فراهم کردند، تشکر و قدردانی کنیم.

منابع

- آهنگران، محمدرسول. (۱۳۹۵). پیشگیری انتظامی از جرم با الهام از عهدنامه مالک اشتر. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های نهج البلاغه، ۱۵(۴): ۶۳-۸۰
- http://www.nahjmagz.ir/article_49303.html
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی تا). لسان العرب. دارالصادر.
- اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). مفردات الفاظ قرآن. دارالعلم.
- پیبادی، آل. رابرت. (۱۳۷۵). اقتدار. گزیده مقالات سیاسی - امنیتی، ترجمه مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی. انتشارات بینش.
- ترابی، یوسف. (۱۳۸۳). اخلاق حرفه‌ای پلیس در پرتو سخنان مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا. پژوهش‌های دانش انتظامی، ۶(۲): ۷-۱۳.
- http://pok.jrl.police.ir/article_97448.html
- خامنه‌ای، حضرت آیه الله سید علی. (تیر ۱۳۷۴). بیانات مقام معظم کل قوا در دیدار فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی.
- <https://www.leader.ir/fa/speech/1150/leader.ir>
- خامنه‌ای، حضرت آیه الله سید علی. (اردیبهشت ۱۳۹۴). بیانات مقام معظم کل قوا در دیدار فرماندهان و مدیران نیروی انتظامی.
- <https://www.leader.ir/fa/content/13129/leader.ir>
- خامنه‌ای، حضرت آیه الله سید علی. (اردیبهشت ۱۳۹۷). بیانات مقام معظم کل قوا در دیدار با جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی.
- <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=42356>
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲). لغت‌نامه دهخدا. مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- رضی، محمدبن حسین. (۱۴۱۴). نهج البلاغه. نشر هجرت.
- سنت، ریچارد. (۱۳۷۸). اقتدار. ترجمه باقر پرهام. مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه.
- ظهیری، علی. (۱۳۹۳). تحلیلی بر قدرت و اقتدار. مؤسسه پندار آفرینان.

عبدی، توحید. (۱۳۸۱). درآمدی بر نظام‌نامه اخلاق پلیس. پژوهش‌های دانش انتظامی. (۲ و ۳)، ۲۸۸-۱
http://pok.jrl.police.ir/article_97658.html

گالبرایت، جان کنت. (۱۳۶۶). کالبدشناسی قدرت. ترجمه احمدشمسا. بی‌جا
 میرزابابایی، نیره؛ کشوردوست، سمانه. (۱۳۸۷). بسترهای اخلاقی نیروی انتظامی. مجله بصیرت
 و تربیت اسلامی، ۵(۱۱). ۷۲-۴۹.

http://init.jrl.police.ir/article_10348.html

محبی، علی. (۱۳۸۳). اخلاق پلیسی. دانش انتظامی، (۳) ۶۷-۸۷.

http://pok.jrl.police.ir/article_97613.html

مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۴). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، تحقیق و نگارش احمدحسین
 شریفی. انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره).

معاونت اجتماعی، ناجا. (۱۳۸۵). سیمای تحولی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
 انتشارات نیروی انتظامی.

نراقی، مهدی. (۱۳۸۸). جامع السعادات (ج ۲)، ترجمه کریم فیضی، انتشارات قائم آل محمد.
 هریسون، جفری و سنت جان، کارون. (۱۳۸۰). مدیریت استراتژیک. ترجمه بهروز قاسمی. نشر
 آبتین.

Eck, J. E., Rosenbaum, D. P., & Rosenbaum, D. (1994). The challenge of Community Policing. Testing the promises

Fisher, C. D. (1989). Current and recurrent challenges in HRM. *Journal of Management*, 15(2), 157-180.

<https://doi.org/10.1177/014920638901500203>

Miller, S. (2013). Police ethics. *International Encyclopedia of Ethics*. Routledge. 1-8. DOI: 10.1002/9781444367072